



۲۰۲۰/۰۴/۲۷



ولی احمد نوری

## سردار محمد داوود خان بنیانگذار اولین جمهوریت در افغانستان



یادداشت نویسنده: این نوشته در ماه اپریل ۲۰۱۳ تحریر و نشر شده بود که من به اجازه دوستداران وبسایت آریانا افغانستان آنرا امروز برای بار دوم تجدید چاپ میکنم.



چند سال قبل کتابی زیر نام "نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاست های سردار محمد داوود" توسط تاریخ نویس جوان کشور شاعلی محمد عاصم اکرم تألیف گردیده بود که هنوز هم از نگاه محتوا و غنای معلوماتی به قوت خود برجاست. این مجموعه را اگر از نگاه محتوا بررسی نمائیم و اغلاط دری و اشتباهات دستوری آنرا به دیده اغماض بنگریم، اثربست بسیار جالب و در خور ستایش. مؤلف در تدوین کتاب، مطالعات مبسوطی انجام داده و زحمات زیادی را متقبل گردیده است. او توانسته است بطور بیطرفانه و مؤفّقانه، معلومات جامعی پیرامون زندگی، فعالیت های اداری و سیاسی و سوانح مردی که خواهی نخواهی نقش خویش را در اوراق تاریخ کشور ما برجا گذاشته است، به هموطنان خود و آنهائیکه به تاریخ و رویداد های افغانستان علاقه دارند، عرضه دارد. خواننده در تحلیل و ارزیابی این اثر با دو مسئله مصادف میشود: محاسن و خوبی های

سردار محمد داوود خان در انجام وظیفه و اشتباهات او در ادوار مختلف اشتغال او **تصویر شهید سردار محمد داوود** به کارهای مهم دولتی.

سردار محمد داوود خان، شخصیت بسیار با عقیده و با دیانت و انسان فوق العاده صادق و پاک نفس بود. در احساس وطن پرستی و عشق سرشار او، به آزادی و آبادی کشورش هیچ نوع شک و تردیدی وجود ندارد. (۱)

۱- کتاب "خاطرات سیاسی سید قاسم رشتیا ۱۳۱۱ تا ۱۳۷۱ (۱۹۳۲ تا ۱۹۹۲ م)" چاپ سال ۲۰۰۰م ژنیو سویس

## محاسن و صفات برگزیده سردار محمد داوود خان :

همان طوری که مرحوم سید قاسم رشتیا نویسنده و مؤرخ نامدار افغانستان در کتاب خاطرات سیاسی (۱) خود نوشته است، واقعاً سردار محمد داوود خان شخص بسیار صادق و پاک نفس و بیحد وطن پرست بود. و این قلم شهادت می دهد که سردار شهید و مرحوم، حقا که بعد از خدا وطنش را می پرستید.

همانگونه که مردمان دلیر و با شهامت وطن ما روحیه آزادی خواهی و غرور ملی خود را در مسیر تاریخ درخشان و پر افتخار این سرزمین به جهان و جهانیان ثابت کرده اند، سردار محمد داوود فرزند برومند این سرزمین هم در ادوار مختلف زندگی اش و خاصاً در ملاقات تاریخی اش با لیونید بریژنف زعيم اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۷۱، در کاخ کریمین ماسکو و مشتعل شدنش در برابر سخنان نا مطلوب وی، این روحیه آزادی خواهی و غرور ملی او را به مردم افغانستان و جهان ثابت نمود. سخنانی که به آن فرعون قرن بیستم حواله کرد حماسه ایست در تاریخ امروز و فردا های وطن.

## برخورد سردار محمد داوود خان و لیونید بریژنف در ماسکو :

لیونید بریژنف منشی عمومی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی (اتحاد اعمار شوروی - و.ن.)، ضمن بیانیه خیر مقدم برای سردار محمد داوود خان رئیس جمهور افغانستان، با لحن خشن و شکایت آمیز از موجودیت تعداد روز افزون اتباع کشور های حوزه اتلانتیک شمالی در افغانستان، نزدیک سرحدات اتحاد شوروی تذکر داد و گفت حکومت افغانستان باید آنها را که بجز از مشتی جواسیس چیز دیگری نیستند، و در خدمت امپریالیزم قرار دارند، از آنجا براند. . . . سردار محمد داوود با وضع بر افروخته حرف او را قطع کرده به صدای بلند گفت : **" این گفتار شما برای افغان ها غیر قابل قبول است و به منزله مداخله در امور داخلی افغانستان می باشد."** و پس از لحظه ای مکث با لهجه بسیار خشمگین افزود : **" ما هرگز به شما اجازه نمی دهیم که به ما هدایت بدهید که کشور خود را چگونه اداره کنیم و چه کسانی را استخدام نمایم و در کجا از آنها کار بگیریم؛ این کار کاملاً و صرف از صلاحیت دولت افغانستان است. اگر لازم باشد افغانستان فقیرانه ولی در اعمال خود آزاد خواهد بود."** (۲)

سردار محمد داوود خان این جملات تاریخی را قهرمانانه و به آواز خشمگین و آمرانه ادا کرد و از جا برخاست تا جلسه را ترک دهد. بریژنف سراسیمه شده از درخواست و عده ملاقات خصوصی با او که رئیس جمهور افغانستان تقاضا کرده بود، یاد آور شده افزود که همین ساعت آماده میباشد که این ملاقات انجام پذیرد. ولی سردار محمد داوود خان با لهجه جدی و عصبانی جواب داد : **"دیگر ضرورتی برای چنین ملاقات نمائده است."** (۳) این جواب سردار محمد داوود خان یکبار دیگر وطن پرستی و حسیات ملی او را ثابت ساخت.

قابل گفتن است که در سال ۱۹۷۸ سردار محمد داوود خان به یک سلسله سفر های عجولانه به کشور های اسلامی متحدین غرب یعنی ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه و کویت شروع نمود. سردار آرزوی خود را در ظاهر برای جلب کمک های مالی این کشور ها وانمود می کرد، ولی در باطن مقصد او بدست آوردن پشتیبانی سیاسی و دیپلماتیک آنها بود. عجب اینست که در تمام این سفرها یکی از گماشتگان مهم (ک.جی. بی.) با این هیأت همراه بود و او محمد خان جلالر وزیر تجارت افغانستان بود که تمام مذاکرات خصوصی سردار محمد داوود



۲- کتاب " سقوط افغانستان " اثر دکتور "عبدالصمد غوث" معین سیاسی وزارت امور خارجه افغانستان

۳- سردار محمد داوود خان اولین رئیس جمهور افغانستان و جریان مکمل و واقعی سفر رسمی ۱۹۷۷ ایشان به ماسکو

خان را با زعمای این کشور ها به ماسکو اطلاع می داد. که به اساس همین معلومات اتحاد شوروی به عملی نمودن پلان مورد نظرش سرعت بخشید. (۴)

مرحوم سید قاسم رشتیا نویسنده شهیر کشور ما افغانستان، در کتاب خاطرات سیاسی خود، اوصاف سردار محمد داوود خان شهید را چنین خلاصه میکند :

"... ولی در عین زمان احساساتی و خوش باور و در انتخاب و تعیین اشخاص به وظایف عمده اکثراً دچار اشتباه می گردید. کمونیست های در ظاهر دوست و در واقع دشمن و اشخاصیکه برای جلب وی خود را وطن پرست جلوه می دادند وی را احاطه نمودند و اهل کار و صاحبان معرفت را از وی دور ساختند. و بالاخره سردار محمد داوود خان یکه و تنها در لجن زار کمونیستی غوطه می زد."

سردار محمد داوود خان در دوره زمام داری خود بحیث رئیس دولت و رئیس اولین جمهوریت افغانستان که خودش بانی آن بود، براه انداختن حرکت در ساحة اقتصادی و انکشافی را آغاز کرد : پروژه استخراج مس عینک، ساختمان "بند آبگردان کمال خان" در وادی هلمند، اعمار " بند سلما" روی دریای هریرود در هرات، کشیدن خط آهن از سرحدات ایران و پاکستان به کابل و قندهار، عملیات انکشافی ذخایر گاز و نفت در ولایت پکتیا، ساختمان مسلخ در ولایت هرات و قرار داد اولین دستگاه تصفیه خانه نفت در شمال افغانستان با اتحاد شوروی برای تکافوی احتیاجات داخلی و تمديد سرک در امتداد دریای هلمند تا دیشو در سرحد ایران.

در شوق فرهنگی توريد دستگاه تلویزیون که از طرف جاپان تمویل شد. متأسفانه افتتاح رسمی آنرا خودش دیده نتوانست و نور محمد تره کی اولین رئیس دولت کمونیستی افغانستان بعد از کودتای خونین ثور آنرا افتتاح نمود و کمونیستها از آن بعد اعلی استفاده نمودند. تقریباً تمام این پروژه ها که در بالا ذکر شد، نا تمام ماندند و کمونیستها و فرماندهان آنها مهلت ندادند که هیچکدام آن به ثمر برسد. ازین رو می توان گفت که دوره جمهوریت با همه عیوب و نارسائی هایی که داشت در سطح بالا یک دوره تحرک بی سابقه و بی نظیر بود که اگر چهار پنج سال دیگر دوام می کرد اقل از نظر انکشاف اقتصادی افغانستان را یکقدم دیگر به مرحله بلند شدن از زمین ( Take-off ) به سایر کشور های همسایه نزدیک می ساخت.

در ساحة سیاسی مخصوصاً در سال های اخیر، سردار محمد داوود خان مرحوم کوشید که روابط افغانستان را با کشور پاکستان عادی بسازد، کمک های مادی از دولت شهبشاهی ایران و دیگر کشور های دوست بدست آورد. خاصتاً تلاش نمود تا وابستگی افغانستان را به اتحاد شوروی محدودتر سازد که تا اندازه ای موفق هم بود. در تماس هایش با زعمای کشور های عضو نهضت عدم انسلاک کوشید تا از نفوذ کشور های وابسته به اتحاد شوروی کاسته شود که در سال های اخیر این حرکت قابل لمس بود و بر برافروختگی اتحاد شوروی افزوده بود. و یکی از مهمترین تصامیمش این بود که خواست از مداخلات شوروی در امور

---

۴- ک. جی. بی. همیشه در دربار افغانستان و در مراجع حساس حکومت نماینده داشته است. محمد خان جلالر یکتن از همین نوع اشخاص مهاجر بود که بحیث وزیر کابینه تمام جریانات مجلس وزرا را توسط ساعت بند دستی و قلم

های خاصیکه داشت، به دولت شوروی می داد و همچنین در آخرین سفر سردار محمد داود خان رئیس جمهور افغانستان مذاکرات او را با انور السادات رئیس جمهور مصر و دیگر زعمای کشور های عربی ثبت و به ماسکو سپرد که متأسفانه موجبات زوال او و کشور ما را فراهم نمود. حتی رویداد آخرین مجلس وزرای سردار محمد داود خان را بروز کودتای خلقی ها و پرچمی ها که جلالر در آن مجلس حاضر بود نزد ک. جی. بی. می باشد. بگذریم از مار های دیگری مثل حسن شرق، محمود حبیبی، عبدالحمید محتاط و غیره که در آستین سردار مرحوم جا گرفته بودند و در درپردی و ویرانی افغانستان نقش دارند و قابل محاکمه می باشند.

داخلی و خاصاً در امور نظامی افغانستان ممانعت نماید. به عنوان (برخورد سردار محمد داوود خان و لیونید بریژنف در ماسکو) در همین نوشته مراجعه شود.

ولی افسوس که رژیم در اساس روی بنیاد غلط پایه گذاری شده و در حقیقت بنیان گذاری آن از اول آله دست بیگانگان قرار گرفته ناخود آگاه نقشه شوم آنها را که دستیابی به افغانستان با از بین بردن خود رژیم بود، عملی کردند.

در سه سال اول (۱۹۷۳ - ۱۹۷۵م) بارزترین ممیزه آن خشونت در داخل و پیروی مطلق از ماسکو در سیاست خارجی کشور می باشد که در هر دو قسمت کمونیستان داخلی خصوصاً گروه پرچم به ریاست ببرک کارمل و همدستی محمد حسن شرق آله پیشبرد این خط مشی بودند.

در سال ۱۹۷۵م سردار محمد داوود خان به تصفیة عناصر شناخته شده کمونیست از دستگاه دولت آغاز کرد، ولی متأسفانه به نظر این نگارنده کار از کار گذشته بود، و دیگر دیر شده بود، چه از یکطرف این عناصر در تمام تار و پود دستگاه دولت رخنه کرده بودند و از جانب دیگر خود سردار مرحوم در این مرحله به صاحب منصبان نظامی کمونیست یا طرفدار ماسکو و اعضای شورای انقلابی که اکثر شان پرچمی بودند مصلحتاً غرض دار نگردید.

از طرف دیگر در سیاست خارجی کشور نیز تبدلاتی را به میان آورد و سعی کرد با کشور های اسلامی و ممالک غربی روابط خود را نزدیک سازد، چنانچه پس از تجدید نظر بر شرایط معاهده تقسیم آب هیرمند که دو سال آنرا معطل قرار داده بود، بنا بر دعوت محمد رضا شاه پادشاه ایران به تهران سفر نمود و بعد از موافقه روی شرایط جدید، دولت ایران مبلغ دو ملیارد دالر کمک مالی را به او پیشنهاد کرد تا از این مبلغ برای تمديد خط آهن از کابل تا

قندهار و هرات تا سرحد ایران استفاده بعمل آید. و نیز قرار شد تا دولت ایران به مصرف خود با کدام شرکت خارجی جهت تفحص نفت و گاز در منطقه جنوب شرقی افغانستان قراردادی عقد نماید. خلاصه دولت شهینشاهی ایران می خواست افغانستان را از وابستگی اقتصادی و سیاسی با اتحاد شوروی و هم با پاکستان بی نیاز سازد.

قابل اهمیت است که این جملات کلیدی و تاریخی سردار محمد داوود خان اولین رئیس جمهور افغانستان را برای آیندگان و تاریخ ثبت نمود. بلی او در راه بازگشتش ازین سفر مهم و تاریخی به ایران، در شهر باستانی هرات در محضر جمع بزرگی از مردم افغانستان که برای پذیرائی از ایشان آمده بودند، اظهار داشت:

**« سیاست دولت جمهوری افغانستان به هیچ کشوری بستگی ندارد، و نه حکومت او به کدام ایدیولوژی بیگانه و غیر ملی و (وارد شده) در این کشور موقع فعالیت خواهد داد.»**

این اولین بیانیة سردار محمد داوود خان مرحوم بود که در آن جدائی کامل خود را از کمونیست ها علناً و بصورت (چلنج) اعلام نمود. البته از همین وقت بود که روابط او با پرچمی ها از یکطرف و با اتحاد شوروی از جانب دیگر رو به سردی گذاشت.

## ترتیب قانون اساسی جدید دولت جمهوری :

سردار محمد داوود خان همان طوری که در اعلامیة ۲۶ سرطان به مردم افغانستان وعده سپرده بود، اقدام به تدویر لویه جرگه ای جهت تدوین و توشیح قانون اساسی اولین جمهوریت افغانستان نمود. چون در متن قانون اساسی انحلال کمیته مرکزی پیش بینی گردیده بود، از یکطرف به دولت و حکومت وی مشروعیت داده می شد و از جانب دیگر از شر کمیته مرکزی که مانع پلان های او می شدند رهائی می یافت، همان بود که مطابق احکام قانون اساسی دولت جمهوری کمیته مرکزی منحل گردید. در این قانون اساسی ایجاد سیستم یک حزبی در کشور پیش بینی گردیده بود که بدین ترتیب جلو پیشرفت احزاب کمونیست خلق و پرچم را گرفته و راه کمونیست های طرفدار ماسکو را در دستگاه دولت بگیرد. چه کار شکنی ها و توطئه های این عناصر حقیر و سوداگران وطن روز بروز زیاد تر می شد و ضرورت اینکار شدیداً احساس می شد.

در همین سال ۱۹۷۵م بحران تازه ای در روابط افغانستان با پاکستان رخ داد که نزدیک بود مانند دفعات قبل سخن به قطع روابط مملکتین بکشد، اما در اثر میانجی گری محمد رضا شاه پادشاه ایران که طرفین را به خویشتن داری تشویق نمود، خوشبختانه بحران مذکور فروکش نمود. ذوالفقار علی بوتو صدراعظم پاکستان در ماه جون ۱۹۷۶م به کابل سفر کرد و با سردار محمد داوود رئیس جمهور افغانستان مذاکرات مفصل انجام داد. طرفین موافقت کردند تبلیغات مخاصمانه را علیه یکدیگر قطع نمایند تا راه برای مساعی دیپلماتیک هموار گردد.

در ماه آگست همین سال سردار محمد داوود خان رسماً به پاکستان سفر کرد که در واقع مقدمه نورمال شدن روابط دو کشور بود. ولی علت اصلی نرمش غیر منتظره سردار محمد داوود خان در رابطه با موضوع پشتونستان، سردی روابطش با ماسکو و خوف روز افزون او از آنطرف بوده است. سردار محمد داوود خان که به نیت شوم زمامداران اتحاد شوروی پی برده بود می خواست هرچه زودتر قضیه پشتونستان با پاکستان و تقسیم آب دریای هیلمند با کشور همسایه ایران راه حل پیدا کند.

در قضیه پشتونستان به این اطمینان ذوالفقار علی بوتو صدراعظم پاکستان، که برای حزب عوامی ملی و تمام پشتون ها و بلوچ ها در انتخابات آینده موقع فعالیت و سهم گیری داده می شود، اکتفا کرده و آن را وسیله ابراء ذمه خود در مقابل پشتون ها و بلوچ ها تلقی نمود و حاضر شد که به همین اساس موضوع را در آینده نزدیک تحت دوران رسمی قرار می دهد؛ و از طرف دیگر بالاخره تصمیم گرفت تا معاهده تقسیم آب دریای هیلمند را که در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و صدارت شهید محمد موسی شفیق آماده شده بود، توشیح نماید (سال ۱۹۷۶م) و به این اختلافات یکصد ساله بین دو کشور خاتمه بدهد.

در انعکاس آن، حرکات تحریک آمیز ماسکو بیشتر شده می رفت، احزاب کمونیست افغانی "حزب خلق به رهبری نور محمد تره کی" و "حزب پرچم به رهبری ببرک کارمل" با میان جیگری (باصلاح کشور شورا ها) دوباره اتحاد کردند. عملیات زیر زمینی این احزاب در خدمت بیگانه افزایش یافت. بنا بر آن سردار محمد داوود تصمیم گرفت موضوع را با لیونید بریژنف و دیگر زمامداران شوروی مطرح و روشن سازد. اما قبل از آن لویه جرگه عنعنوی افغانستان را دایر و قانون اساسی جدید جمهوریت افغانستان را به تصویب نمایندگان ملت رسانید.

آنچه در قانون اساسی اهمیت بیشتر داشت یک حزبی بودن آن بود که راه قانونی شدن احزاب کمونیست (خلق و پرچم) را در نظام آینده بکلی مسدود می ساخت. چیزیکه بریژنف را بیشتر از همه ناراحت بلکه مایوس ساخته بود، همین موضوع بود. در خلال آن انحلال کمیته مرکزی که اکثر اعضای آن با (ک. جی. بی. "پولیس مخفی شوروی") رابطه مستقیم داشتند، نیز ماسکو را به عکس العمل فوری و شدید وادار ساخت. و همان بود که سردار محمد داوود خان، بنا به دعوت لیونید بریژنف در ماه اپریل ۱۹۷۷م به ماسکو مسافرت نمود. که جریان آنرا در بالا زیر عنوان (برخورد داوود - بریژنف در ماسکو) خواندید. صرف در اینجا اینقدر اضافه میکنم که موضوع اصلی شکایت زعمای شوروی دور ساختن اعضای احزاب خلق و پرچم از مرکز قدرت و برای آینده نوعیت یک حزبی قانون اساسی جدید و اتکای بیشتر به کمک های کشور های اسلامی بود که وابستگی انحصاری افغانستان را از اتحاد شوروی از بین می بُرد.

داستان این مسافرت مهم و تاریخی را که در سرنوشت کشور ما افغانستان و خانواده رئیس جمهور آن، نقش بسزای داشت، می توانید در نوشته پر محتوای جناب عبدالجلیل جمیلی مامور عالی رتبه وزارت خارجه افغانستان و عضو هیئت معیتی سردار محمد داوود خان در آن سفر تاریخی بودند تحت عنوان (مرحوم محمد داوود خان اولین رئیس جمهور افغانستان و جریان مکمل و واقعی سفر رسمی ۱۹۷۷ ایشان به ماسکو) با فشار بر لینک آتی مطالعه فرمائید:

<http://www.afghan->

[german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/jamilly\\_president\\_dawood\\_in\\_moscou۱۹۷۷.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/jamilly_president_dawood_in_moscou۱۹۷۷.pdf)